

روش‌شناسی اثرپذیری غزل حافظ از قرآن

علیرضا اسفنده^۱، یدالله ملکی^{۲*}، محمدرضا سنگری^۳

۱- گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران.

تیر ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۶، صص ۱۳-۱۱

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6926

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: قرآن کریم معجزه‌ای است که در قالب کلام ظهور یافته و در نهایت فصاحت و بلاغت نازل گردیده است؛ از این جهت بسیاری از پدیدآورندگان آثار منظوم و منثور در ادبیات فارسی، در خلق آثارشان از آن به انحای مختلف بهره جستند. تجلی کلام بلیغ قرآن در غزل حافظ نیز چشمگیر است. در این پژوهش سعی شده است روشها و شگردهای گوناگون اثرپذیری حافظ در غزلیات از آیات کلام وحی مورد بررسی قرار گیرد.

روش مطالعه: روش مطالعاتی در پژوهش حاضر اسنادی-تحلیلی است. این پژوهش به روش‌شناسی اثرپذیری غزل حافظ از قرآن کریم پرداخته و با تقسیم‌بندی شیوه‌های بهره‌گیری و ارائه شاهدمنتهایی از آیات قرآن کریم و ابیاتی از غزلیات حافظ، فرضیه خویش را انسجام بخشیده است.

یافته‌ها: حضور واژگان، آیات، تعبیر، مضامین و اسالیب قرآنی در جای‌جای غزلیات حافظ، بیانگر آشنایی عمیق و فراگیر وی با قرآن کریم، علوم و مباحث قرآنی -از قبیل محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ و فقه‌الآیات- در کنار آشنایی با تفاسیر این کتاب آسمانی است. بررسیها نشان میدهد حافظ نه تنها معانی آیات را درک نموده که از ارتباط آیات با یکدیگر نیز مطلع بوده است.

نتیجه‌گیری: مهمترین و اصلیت‌ترین زمینه‌های تأثیرپذیری و الگوبرداری غزل حافظ از قرآن کریم در این موارد میگنجد: اثرپذیری از ارتباط سنجیده لفظ و معنا در قرآن؛ اثرپذیری از الگوی هماهنگی لفظی و معنایی قرآن؛ بهره‌گیری از ترکیبات و واژگان قرآنی در جهت خلق صور خیال؛ اثرپذیری از الگوی جفتهای کمینه در قرآن؛ اثرپذیری در مطلع غزلها از شگردهای قرآنی؛ اثرپذیری از اعلام قرآنی؛ الهام گرفتن از اندیشه‌های قرآنی؛ اثرپذیری از شگرد آوا-معنایی قرآن؛ استنباط ذوقی از آیات قرآن و کمک به تکمیل قوافی شعر.

تاریخ دریافت: ۱۸ خرداد ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۲۰ تیر ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۰۵ مرداد ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۱ شهریور ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

قرآن، حافظ، غزل، روش‌شناسی، اثرپذیری

* نویسنده مسئول:

✉ Yadollah.Maleki@iaui.ac.ir

☎ ۰۱۱۳۳۱۲۰۰۶۶ (+۹۸)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Methodology of effectiveness of Hafez's ghazal from the Qur'an

A.R. Esfandeh¹, Y. Maleki^{1*}, M.R. Sangari²*1- Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Khoramabad Branch, Islamic Azad University, Khoramabad, Iran.**2- Department of Persian Language and Literature, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran.*

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 08 July 2022

Reviewed: 11 July 2022

Revised: 27 July 2022

Accepted: 12 September 2022

KEYWORDS

Quran, Hafez, Ghazal,
methodology, effectiveness

*Corresponding Author

✉ Yadollah.Maleki@iaau.ac.ir

☎ (+98 66) 33120011

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The Holy Quran is a miracle that appeared in the form of words and was finally revealed with eloquence and eloquence. For this reason, many creators of poetry and prose works in Persian literature have used it in different ways in creating their works. The manifestation of the eloquent words of the Qur'an in Hafez's sonnets is also impressive. In this research, it has been tried to investigate the various methods and techniques of Hafez's effectiveness in sonnets from the verses of the Word of Revelation.

METHODOLOGY: The study method in the current research is documentary-analytical. This research deals with the methodology of the effectiveness of Hafez's sonnets from the Holy Qur'an and by dividing the methods of use and presenting examples of verses from the Holy Qur'an and verses from Hafez's sonnets, it has consolidated its hypothesis.

FINDINGS: The presence of Quranic words, verses, interpretations, themes and styles in Hafez's sonnets shows his deep and comprehensive familiarity with the Holy Quran, Quranic sciences and topics - such as strong and similar, abrogated and abrogated, and jurisprudence of the verses - along with familiarity with interpretations. This is a heavenly book. Studies show that Hafez not only understood the meanings of the verses, but also knew about the relationship between the verses.

CONCLUSION: The most important and main areas of influence and modeling of Hafez's ghazal from the Holy Quran are included in these cases: influence of the measured connection of words and meaning in the Quran; Effectiveness of the pattern of verbal and semantic harmony of the Quran; Using Quranic compounds and words to create imaginary images; Effectiveness of the pattern of minimal pairs in the Qur'an; Effectiveness in the knowledge of Ghazals from Quranic techniques; Effectiveness of the Quranic declaration; getting inspiration from Quranic ideas; Effectiveness of the phonetic-semantic method of the Qur'an; Inferring a taste from the verses of the Qur'an; and helping to complete the rhymes of the poem.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6926](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6926)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 9	 0	 0

مقدمه

قرآن کریم، کتاب مقدس و انسان‌سازی است که از معجزات رسول اکرم (ص) و دین مبین اسلام محسوب می‌شود و رسالتش هدایت انسان بعنوان خلیفه خدا بر زمین و رساندن آنها به کمال و سرمنزل مقصود الهی است. این کتاب مقدس از چند بُعد دارای اعجاز می‌باشد که یکی از مهمترین ابعاد آن بُعد بیانی است. قرآن کریم از بالاترین و شگفت‌انگیزترین سطح فصاحت و بلاغت برخوردار است؛ همانگونه که خداوند در سورة اسراء آیه ۸۸ می‌فرماید: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُوا بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً» اگر همه انسانها و جنیان در کنار هم آیند تا همانند این بیاورند، همانندش نخواهند آورد گرچه پشتیبان یکدیگر باشند.

فرهنگ، تمدن و ادب فارسی بخش عظیمی از سرمایه و غنای خویش را وامدار خزانه غیب قرآن است؛ از آن زمان که شاعران و ادیبان پارسیگوی بر خوان کرم قرآن کریم نشسته و جان را با این مائده آسمانی قوتی تازه بخشیدند، شعر و ادب با صلابتی دیگر در عرصه جانها طنین‌افکن شد. با مطالعه و بررسی آثار منظوم و منثور ادب فارسی میتوان به شواهدی از تأثیرات لفظی و معنوی قرآن بر زبان، اندیشه و عقاید صاحبان این آثار دست یافت و به این نتیجه رسید که قرآن، بعنوان مهمترین منبع فرهنگ اسلامی، الهامبخش بسیاری از شاعران و نویسندگان فارسیگو در پدید آوردن آثار ادبی بوده است.

تأثیر آیات قرآن در حوزه معنایی و نیز حوزه آراستن کلام در اشعار شعرا بویژه در غزلیات حافظ شیرازی بطور چشمگیری یافت می‌شود. تأثیر قرآن بر اندیشه، مضمون، ساختار واژه‌ها و اسلوبهای بیانی شعر حافظ بگونه‌ای است که برخی شارحان و حافظ‌شناسان و اندیشمندان را بر آن داشته که دیوان حافظ را یکی از برجسته‌ترین تفسیرهای تأویلی قرآن برشمارند؛ بنابراین پیوند حافظ با قرآن مجید پیوندی ژرف است. هدف این جستار، روش‌شناسی اثرپذیری شعر حافظ از آیات قرآن است. از جمله این بهره‌گیریها، الگوپذیری این غزل‌ساز از ساختارمندی درونی و بیرونی آیات قرآن است که پژوهشگران قصد دارند به تبیین این نوع الگوپذیری بپردازند. سؤالات اصلی این پژوهش بدین شرح است: آیا حافظ از معانی و مفاهیم و ساختارمندی درونی و بیرونی قرآن بهره جسته است؟ به چه روشهایی این اثرپذیری صورت گرفته است؟ آیا میتوان روابط بینامتنی ابیات یک غزل حافظ با آیاتی معین و پیوسته از قرآن کریم را کشف نمود؟

ضرورت و سابقه پژوهش

با توجه به بررسیهای انجام‌شده، تاکنون پژوهشی با این وسعت صورت نپذیرفته و جستار حاضر به نظر کاری نو و بدیع خواهد بود و با توجه به ضرورت و اهمیت موضوع، میتواند مورد بهره‌وری محققان و پژوهندگان عرصه علوم قرآنی و ادبیات فارسی قرار بگیرد. با وجود این پژوهشهای متعدد و مرتبط با زمینه کلی تحقیق وجود دارد که به برخی از آنها اشاره میشود.

در مقاله «تأثیرپذیری حافظ از اسلوب هنری قرآن» فقط به دو شیوه اثرپذیری ادبی حافظ از قرآن (ذکر خاص پس از عام و ذکر عام پس از خاص) اشاره شده است. کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» از محمد راستگو (۱۳۹۳) پژوهشی است درباره بازنمایی جلوه‌هایی از قرآن و حدیث در شعر فارسی. این کتاب در سه بخش تدوین یافته است که شامل زمینه‌ها و پیشینه اثرپذیری شاعران فارسیگوی از قرآن و حدیث و تحول و تکامل آن و شیوه‌های پیدا و پنهان آن میباشد. در این کتاب بر شیوه‌ها و روشهای اثرپذیری، نامهایی چون واژگانی، گزاره‌ای،

تأویلی، و تفسیری نهاده شده است. در بخشی دیگر از کتاب نمونه‌هایی از بهره‌گیری پارسی‌سرایان از قرآن و حدیث از آغاز تا قرن هشتم با ترتیب تاریخی آورده شده است. «قرآن و ادب فارسی: اشارات قرآنی در اشعار حافظ» از رضوی (۱۳۸۳) و «بازآفرینی شخصیت‌های قرآنی در شعر حافظ شیرازی» از باوان پوری و همکاران (۱۳۹۳) از دیگر پژوهشها در این زمینه است.

بحث و بررسی

در اینجا به مهمترین و پربسامدترین روشهای تأثیرپذیری و الگوگیری شعر حافظ از قرآن کریم اشاره میشود.

اثربرداری از ارتباط سنجیده لفظ و معنا در قرآن

ارتباط طولی و عرضی میان آیات و سور قرآن بدان معناست که آنها بسان یک جمله و دارای پیوند محکم معنایی باشند. ارتباط میان آیات قرآن چند گونه است:

ارتباط لفظی: نظیر ارتباط میان عام و خاص؛ ارتباط عقلی: نظیر ارتباط میان علت و معلول؛ ارتباط خارجی: نظیر ارتباط میان اجزای یک خبر.

برخی معتقدند با نزول پراکنده آیات که بتدریج در دوران رسالت و در پی رخدادهای مختلف انجام میگرفت، نمیتوان از مناسبت و ارتباط میان آیات سخن گفت. در پاسخ به این اشکال گفته شده است قرآن اگر در مرحله اول نزول تابع رخدادهاست، در مرحله ترتیب، تابع حکمت است. به عبارت روشنتر باید میان نزول قرآن با ترتیب آن تفاوت قائل شد. باری آیات قرآن به تناسب پاسخگویی به پرسشها و مشکلات نازل میشد، اما در مرحله ترتیب و چینش با نظارت پیامبر (ص) مبتنی بر اصل حکمت سامان یافت.

یکی از مصادیق زیبایی‌آفرین در شعر حافظ که شاید به تأسی از قرآن صورت پذیرفته و مایه جذابیت آن شده است، ارتباط سنجیده و هنری لفظ و معناست. حافظ در مرتبه اول، به ماده، فرم، صورت و ساختار سخن خود می‌اندیشد. «زبان» حافظ درواقع همان فرم و صورت سخن حافظ است؛ آن هم صورت و فرمی که پیوسته برای تغییر و ارتقای آن تلاش میکرده است. «درگیری شگفت‌انگیز حافظ با زبان، شرح و تبیین آن، حادثه ذهنی وی میباشد اما آنکه غالب است زبان است نه حافظ. به همین سبب در شعر حافظ آنچه زبان میگوید بسیار بیشتر از آن است که حافظ میگوید و حتی ناگفته‌های حافظ را میتوان از زبان شعرش شنید» (پورنامداریان، ۱۳۸۴: ۲۳۲). چنانچه حافظ خود گوید:

ای پادشاه صورت و معنی که مثل تو / نادیده هیچ دیده و نشنیده هیچ گوش (حافظ، غزل ۲۸۵)

برای نمونه به بیت زیر از او توجه کنید:

در حلقه گل و مل خوش خواند دوش بلبل / هات الصبوح هیوا یا ایها السکارا (حافظ، غزل ۵)

حافظ در این بیت، ارتباط و پیوند حاصل از حلقه گل و مل و بلبل، فضای می‌آلود و بانگ نوشانوشی باده‌پیمایان را به تصویر میکشد. اگر به پیوند و ارتباط سنجیده و هنری کلمات «گل، مل و بلبل، حلقه و در» تنها در مصراع اول این بیت توجه کنیم، ارتباط هنری آنها به هیچ وجه قابل برگردان به زبان دیگری نیست.

پیوستگی یا ناپیوستگی معنایی ابیات غزل حافظ، ازجمله مسائلی است که بیشتر پژوهندگان سخن حافظ در گوشه و کنار نوشته‌های خود به آن اشاره کرده‌اند. برخی حافظ پژوهان و مصححان دیوان حافظ، این گسسته‌نمایی ابیات غزل حافظ را گناه کاتبان و نسخه‌نویسان و اعمال سلیقه شخصی خود در جابجایی ابیات غزل میدانند و حتی مبنای کار خود را تصحیح دیوان حافظ بر توالی منطقی ابیات نهاده‌اند و کوشیده‌اند بیتها را چنان پشت سر هم

بچینند که روابط معنایی گمشده دوباره برقرار شود. پورنامداریان معتقد است «حادثه ذهنی غزل‌آفرین حافظ» سبب می‌شود که غزل وی از انسجام معنایی باطنی پیروی کند و «اشتباه کسانی که کوشیده‌اند با جابجا کردن ابیات یک غزل به توالی منطقی ابیات و صورت اصلی شعر حافظ برسند، در این است که فکر کرده‌اند حافظ مضمون از پیش‌اندیشیده‌ای را بیان میکند که منطقاً باید از جایی شروع شود و با نظم و ترتیب به جایی ختم شود؛ در حالیکه معانی ابیات یک غزل، به سبب پیوند ارتباط با آن حادثه ذهنی برانگیخته از یک هیجان روحی یا حالت عاطفی، با هم پیوند ارتباط دارند، الا آنکه این پیوند و ارتباط، نظم زبانی و منطق زبان عادی را ندارد» (پورنامداریان، ۱۳۸۴: ۲۵۶). عده‌ای دیگر ناپیوستگی ابیات غزل حافظ را عین کمال هنری و متأثر از سوره‌های قرآن دانسته‌اند و بعضی دیگر معتقدند غزل حافظ در عین گسسته‌نمایی ظاهری، ارتباط ظریف و هنری معنایی پنهانی در بین ابیات غزل دارد و کشف این ارتباط ظریف و پنهان در گرو تأویل غزل حافظ و راهیابی به «حادثه ذهنی شاعر» است.

بهره‌گیری از ترکیبات و واژه‌های قرآنی در جهت خلق صور خیال

بهره‌گیری از ترکیبات و واژه‌های قرآنی و خلق آرایه‌های زیبایی بدیعی در دل این اثرپذیری، از شگردهایی است که حافظ و بیشتر شاعران فارسی زبان از آن بهره جسته‌اند. حافظ شیرازی سعی کرده برای بیان احوال درونی خویش از قدرت کلمات خصوصاً واژه‌های قرآنی و ترکیباتی که در آیات وجود دارد و ظرفیت همه‌جانبه آنها بهره جوید و به آنها کارکردهای نوین و معانی بدیع ببخشد. حافظ کوشیده است هنرمندانه توانمندیهای بلاغی، ابهامات و ابهامات و تصاویر شاعرانه را کشف کند و با استفاده از ایجاز سحرآفرین کلامش بتواند قالب و ظاهر محدود و کم‌ظرفیت غزل را به ابزاری پرتوان و کارآمد برای بیان انواع تفکرات متفاوت و حتی متناقض مبدل سازد. در ادامه به برخی از اصطلاحات و ترکیبات و واژگان قرآنی در شعر حافظ همراه با آرایه‌ای که با آن خلق شده است، اشاره میشود.

روح‌القدس: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ قَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ» (بقره / ۸۷).

فیض روح‌القدس از باز مدد فرماید / دیگران هم بکنند آنچه مسیحا میکرد (حافظ، غزل ۱۴۲)

عظیم رمیم: «وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ» (یس / ۷۸).

بعد صد سال اگر بر سر خاکم گذری / سر برآرد ز گِلَم رقص کنان عظیم رمیم (حافظ، غزل ۳۶۷)

مقام امن: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ» (دخان / ۵۱).

مقام امن و می بیغش و رفیق شفیق / گرت مدام میسر شود زهی توفیق (حافظ، غزل ۲۹۸، ۶۹۵)

جَنَّةُ الْمَأْوَى: «عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى» (نجم / ۱۵).

نوشته‌اند بر ایوان جنة المأوی / که هر که عشوه دنیا خرید وای به وی (حافظ، غزل ۴۳۰)

هو الغفور: «إِنَّهُ هُوَ يُبْدِيءُ وَ يُعِيدُ وَ هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ» (بروج / ۱۴-۱۵).

می خور به بانگ چنگ و مخور غصه ور کسی / گوید تو را که باده مخور گو هو الغفور (حافظ، غزل ۲۵۴)

اثرپذیری از الگوی جفتهای کمینه در قرآن

جفتهای کمینه، به دو عنصر لغوی اطلاق میشود که معنای متفاوت از یکدیگر داشته باشند و این تفاوت معنا، حاصل اختلاف آنها تنها در یک آوا باشد؛ همانند «تار و دار یا دست و مست». در حوزه کلام قدسی وحی نیز،

استفاده از این الگوی آوایی نمونه‌های فراوان دارد که مواردی از آنها در پی خواهد آمد. طبیعی است که در ترجمه‌های مصحف شریف، اثری از این الگو مشاهده نشود و به همین دلیل بخشی از تأثیر ادراکی دریافت‌شده از متن مبدأ که معنی‌دار هم هست، در ترجمه از کف می‌رود و احساس و پیام دریافت‌شده توسط خواننده ترجمه قرآن، با خود قرآن به هیچ وجه برابری نخواهد کرد. چند نمونه از قرآن:

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (نازعات/ ۶) قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (نازعات / ۸).

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (ضحی / ۹) وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (ضحی / ۱۰).

وَ إِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ (عاديات / ۷) وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (عاديات / ۸).

معین به سبب زخندان، که چاه در راه است / کجا همی روی ای دل بدین شتاب، کجا (حافظ، غزل ۲)

هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی / کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را (همان، غزل ۵)

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند / نکته‌ها هست بسی، محرم اسرار کجاست (همان، غزل ۱۹)

اثربرداری در مطلع غزلها از شگردهای قرآنی

اهل ادب «ابتدا» را از زیباییها و محسنات سخن برشمرده‌اند که در شعر به آن حسن مطلع می‌گویند؛ به این دلیل که اگر بخش آغازین کلام دارای امتیاز و جاذبه‌هایی باشد مخاطب به ادامه آن علاقه‌مند می‌شود و اینگونه صاحب سخن به هدف خود می‌رسد. قرآن کریم به حکم آنکه بر ادب پس از خود تأثیرات عمیقی داشته است سرشار از جنبه‌های ادبی است؛ شیوه‌ها و شگردهای بیان در فواتح سور یا آیات آغازین سوره‌ها نیز از مصادیقی است که سرایندگانی که با قرآن مأنوس بوده‌اند، خصوصاً حافظ، از آن به انحای گوناگون بهره جسته‌اند. در اینجا به چند نمونه از آن اشاره می‌شود.

الف) شگرد ابتدا به سوگند: کاربرد سوگند در سخن به دو دلیل است: گاهی به علت احتمال کذب گوینده است که درمورد سخن خداوند این امر منتفی است. مورد دیگر مربوط به بی‌اعتنائی شنونده به اهمیت موضوع و ساده‌انگاری آن است. پانزده سوره قرآن کریم با سوگند شروع شده است که با عنوان «مقسّمات» از آنها یاد می‌شود. برای نمونه: وَ التَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ (نجم/ ۱)؛ وَ التَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ (تین / ۱)؛ وَ الذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا (ذاریات / ۱). با توجه به بسامد بالای شگرد ابتدا به سوگند در قرآن، نگارندگان احتمال می‌دهند حافظ که قرآن را در سینه دارد، در شروع غزلهایش به این شگرد نظر داشته باشد:

به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست / که مونس دم صبحم دعای دولت دوست (حافظ، غزل ۲۸)

به جان پیر خرابات و حق صحبت او / نیست در سر من جز هوای خدمت او (همان، غزل ۴۰۵)

ب) شگرد ابتدا به شرط و جمله شرطیه: از شیوه‌های دیگری که در فن معانی و بیان مطرح است و قرآن در آغازین آیات سور مبارکه از آن بهره جسته است، ادای جملات بصورت شرط است. هر ترکیب شرطی از دو بخش جمله شرطی و جزای شرط تشکیل شده است و با ادای جمله شرطیه توسط گوینده، مخاطب منتظر شنیدن جزای شرط است. هفت سوره از قرآن کریم با شرط آغاز شده‌اند: واقعه، منافقون، تکویر، انفطار، انشقاق، زلزله و نصر. برای نمونه: إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ (نصر / ۱). در دیوان حافظ نیز این شیوه قرآنی در آغاز غزلها مشهود است:

گر من از سرزنش مدعیان اندیشم / شیوه مستی و رندی نرود از پیشم (حافظ، غزل ۳۴۱)

اگر به باده مشکین دلم کشد شاید / که بوی خیر ز زهد ریا نمی‌آید (همان، ۵۶۳)

ج) شگرد ابتدا به پرسش: پرسش حقیقی در مورد خداوندی که عالم مطلق است متصور نیست؛ لذا آنچه از استفهام و پرسش از جانب حضرت حق در قرآن مطرح است، همگی استفهام مجازی است که مفید معانی بجز درخواست جواب جهت یافتن اطلاعات می‌باشد. شش سوره از قرآن با جمله سوالی شروع میشوند: انسان، نبأ، غاشیه، ماعون، انشراح، و فیل. برای نمونه: أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ (ماعون / ۱).

ترا که هر چه مراد است در جهان داری / چه غم ز حال ضعیفان ناتوان داری؟ (حافظ، غزل ۴۴۵)

چرا نه در پی عزم دیار خود باشم؟ / چرا نه خاک سر کوی یار خود باشم؟ (حافظ، غزل ۳۳۷)

د) شگرد ابتدا به حمد و سپاس: خداوند دوازده سوره از قرآن کریم را با حمد و ستایش الهی آغاز نموده است؛ ستایش خداوند در آغاز سوره‌های قرآن به دو شکل آمده است: سوره‌هایی که با حمد آغاز شده‌اند «حامدات» و سوره‌هایی که با تسبیح آغاز شده‌اند «مستبحات» نام دارند: قسمت اول، اثبات صفات مدح و قسمت دوم تنزیه خداوند از صفات نقص که اولی با تحمید در پنج سوره حمد، انعام، کهف، فاطر و سبأ و دو سوره فرقان و ملک نیز با لفظ (تبارک) آغاز شده‌اند و قسمت دوم با تسبیح در هفت سوره اسراء، حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن و اعلی. برای نمونه: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (فاتحه / ۲). حافظ نیز بارها کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز کرده است:

المنه لله که در می‌کده باز است / زان رو که مرا بر در او روی نیاز است

هزار شکر که دیدم به کام خویش باز / ز روی صدق و صفا گشته با دلم دمساز (حافظ، غزل ۶۲۱)

ه) شگرد ابتدا به زمان: در شعر حافظ مطلع برخی غزلها با زمان آغاز میشوند و به نظر میرسد که به تأسی از آیات قرآن باشد؛ چراکه در قرآن کریم نیز آغاز تعدادی از سوره‌ها با زمان است. برای نمونه: وَالْعَصْرِ (العصر / ۱).

دوش در حلقه ما قصه گیسوی تو بود / تا دل شب سخن از سلسله موی تو بود (حافظ، غزل ۵۲۰)

بامدادان که ز خلوت‌گه کاخ ابداع / شمع خاور فکند بر همه اطراف شعاع (همان، غزل ۶۸۳)

و) شگرد ابتدا به حرف موصول: با بررسی فواتح سور، به آیاتی برمیخوریم که با کلمه موصول الذین و الذی آغاز شده‌اند. در این آیات خداوند راجع به گروه‌هایی از انسانها سخن گفته است؛ از جمله: الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (محمد / ۱).

آن که از سنبل او غالیه تابی دارد / باز با دلشدگان ناز و عتابی دارد (حافظ، غزل ۳۲۱)

هر آن که جانب اهل خدا نگه دارد / خدایش در همه حال از بلا نگه دارد (همان، غزل ۳۱۵)

اثرپذیری از اعلام قرآنی

ذهن دقیق و نکته‌سنج خواجه، تصاویری بدیع از آیات قرآن خلق نموده است که نشان از اشراف او بر این متن الهی دارد. در ادامه به برخی از اسامی و اعلام قرآنی که حافظ در اشعارش از آنها در راستای تصویرپردازی و مضمون‌سازی بهره گرفته است اشاره میشود.

یوسف: این پیامبر الهی نماد مطلق محبوب و معشوق در شعر حافظ است.

من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم / که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را (حافظ، غزل ۳)

بین که سبب زرخدان تو چه میگوید / هزار یوسف مصری فتاده در چه ماست (همان، غزل ۲۳)

یوسف صدیق یکی از پیامبران الهی است که نامش ۲۷ مرتبه در قرآن کریم و ۱۱ بار در دیوان خواجه تکرار شده است. حافظ زمانی از نام یوسف در اشعارش استفاده میکند که بخواهد مطلقاً از معشوق و محبوب سخن بگوید. او

یوسف را نماد محبوب و معشوق دیار حقیقی میداند که عاشق صادق و راستین باید مشکلات فراوانی را برای نیل به وصال او پشت سر بنهد.

عزیز مصر: عزیز لقبی است که به وزیر اعظم کشور مصر داده بودند و قرآن کریم این لقب را به حضرت یوسف منتسب کرده است. عزیز مصر در دیوان خواجه یک مرتبه و در قرآن کریم ۶۴ مرتبه بسامد دارد. «فَلَمَّا ذَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَ أَهْلْنَا الضُّرُّ» (یوسف/۸۸).

عزیز مصر برغم برادران غیور / ز قعر چاه برآمد به اوج ماه رسید (حافظ، غزل ۲۴۲)

موسی: نام حضرت موسی (ع) در دیوان خواجه دو مرتبه و در قرآن کریم ۱۳۶ مرتبه تکرار شده است.

«إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» (طه/۱۲)

یعنی بیا که آتش موسی نمود گل / تا از درخت نکته توحید بشنوی (حافظ، غزل ۴۸۶)

با تو آن عهد که در وادی ایمن بستیم / همچو موسی ارنی گوی به میقات بریم (همان، غزل ۳۷۳)

ابراهیم: ابراهیم نبی یا خلیل‌الله پیامبری است اولوالعزم که قرآن مجید ۶۹ بار از وی نام برده است، و در میان پیامبران الهی آن حضرت مقام و منزلتی بس بزرگ دارد و در سه دین مهم دنیا (اسلام، مسیحیت، یهود) دارای درجه‌ای ارجمند بوده و به بزرگی و جلالت قدر شهرت دارد (حریری، ۱۳۸۴: ۲۵). داستان زندگی حضرت ابراهیم و به آتش افکندن ایشان در بسیاری از کتب دینی - مذهبی ذکر گردیده است.

«وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ وَ اتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» (نساء/۱۲۵).

از این پیامبر، یک بار در غزلیات حافظ و با عنوان «خلیل» یاد شده است:

یا رب این آتش که بر جان من است / سرد کن زانسان که کردی بر خلیل (حافظ، غزل ۳۰۸)

داوود: نام حضرت داوود ۱۵ مرتبه در قرآن کریم و دو بار در غزلیات حافظ آمده است. از خصیصه‌های این پیامبر، آواز خوش بوده که البته در قرآن کریم به نغمه خوش او اشاره نشده است، اما حافظ فقط به این جنبه از شخصیت او پرداخته است.

«يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَحُكِّمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص/۲۶).

برکش ای مرغ سحر نغمه داوودی باز/ که سلیمان گل از باد هوا باز آمد (حافظ، غزل ۱۷۴)

چو گل سوار شود بر هوا سلیمان‌وار / سحر که مرغ درآید به نغمه داوود (همان، غزل ۲۱۹)

الهام گرفتن از اندیشه‌های قرآنی

حافظ در موارد متعددی از اندیشه‌ها و تعالیم قرآنی در شعر خویش یاد کرده است. یکی از پرسامدترین آنها، اراده الهی و تسری آن در امور زندگی است: قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ (یونس/۴۹).

گر رنج پیشت آید و گر راحت ای حکیم / نسبت مکن به غیر که اینها خدا کند (حافظ، غزل ۱۸۶)

اندیشه دیگر عادل بودن خداوند در تقسیم رزق و روزی است. حافظ تقسیم روزی را خارج از حیطه بشری میداند. در نظر او این اندیشه که روزی انسان در اختیار بشر است، باطل و بی‌اساس می‌باشد، زیرا کسی باید مقسم روزی باشد که خود به آن روزی محتاج نباشد. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ» (فاطر / ۳).

حافظ قلم شاه جهان مقسم رزق است / ازبهر معیشت مکن اندیشه باطل (حافظ، غزل ۳۰۴)

ما باده میخوریم و حریفان غم جهان / روزی به قدر همت هر کس مقرر است (همان، غزل ۴۴)
و نیز امر به معروف و در عین حال فراموش کردن خود: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ
الْكِتَابَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره/ ۴۴).

مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس / توبه‌فرمایان چرا خود توبه کمتر میکنند (حافظ، غزل ۱۹۹)

اثرپذیری از شگرد آوا-معنایی قرآن

به نظر میرسد در بحث زیبایی‌شناسی قرآن، بیشترین تأکید بر محور فصاحت و بلاغت این کتاب است؛ در حالیکه جنبه‌های دیگری هم وجود دارد که با زیبایی قرآن رابطه وثیقی دارد. بعنوان نمونه از هماهنگی آوایی قرآن میتوان یاد کرد: هماهنگ بودن از نظر به‌کارگیری حروف و واژه‌ها، و نظم منطقی حاکم بر آیات و سوره‌ها. مثلاً در مورد به‌کارگیری حروف، برخی سوره‌های قرآن به حروف و آهنگ واحدی چون الف، ی، ه، ر، د، س ختم میشود، مانند پایان آیات سوره مریم که با «الف» تمام میشود: زکریا، حنیا، شقیّا، ولیا، رضیا، سمیا، و برخی با دو حرف یا سه حرف مانند «ون یا ین»، چنانکه قسمتی از سوره انبیاء به این کلمات ختم شده است: حافظین، راحمین، عابدین، صابراین، صالحین، ظالمین، مؤمنین، وارثین، و برخی با حروف و آهنگی متنوع‌تر که البته بیش از همه «ن» در انتهای آیات قرآن کریم به چشم می‌خورد و به پایان آیات، آهنگی دلنشین و شنیدنی بخشیده و موجب خوش‌خوانی این کتاب و جاذبه آن گردیده است. نمونه دیگر، نظم معنایی است؛ این نظم بگونه‌ای است که هیچ واژه‌ای را نمیشود جایگزین دیگری کرد. این نظم و هماهنگی را میتوان از ظاهر واژه و آهنگ و برگزیدن واژه‌های مترادفی که نقیض آنها معنایی دیگر دارد و با ظرفیت و فراگیری آنها متفاوت است، مشاهده کرد (نک: ایازی، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۲).

یکی از روشهای برجسته‌سازی کلام ادبی و متمایز کردن آن از کلام عادی، بهره‌گیری از صداهای خاص و تکرار آنها در واژگان متعدد از یک عبارت، مصراع، بیت یا آیه است. آفریننده متن ادبی با تکرار صداهای خاصی در متن ادبی، پیام بخصوصی را به مخاطب القا میکند و از طریق جلب توجه او به آن متن، آن را در ذهن او حک میکند. برای نمونه «ق» یکی از حروفی است که بنحوی القاکننده مفهوم شدت و خشونت است؛ مانند: قتل، قدر، قبح، قرح، قَلَق، قَوَى، عقر، قمع، قلع، قذف، قعر. این رابطه بین لفظ و معنا، محدود به زبان عربی نیست، چنانکه افعالی نظیر «قطع، قدّ، قَصّ، قصر، قسر، قطّ، قَثّ» کم و بیش نظیر همین لفظ و معنا را در زبانهای هند و اروپایی دارند. در این زبانها به جای «ق» حروف C و K وجود دارد. برای نمونه این دسته آیات که پس از سخنی درباره قیامت، فرود آمدن تازیانه عذاب بر اقوامی لجوج و سرکش را تصویر میکند: «الحاقه/ مال‌الحاقه/ و ما ادریک مال‌الحاقه/ کذّبت ثمود و عاد بالقارعه/ فأما ثمود فأهلكوا بالطاغیه» (حاقه ۱-۵).

حضور پربسامد و چشمگیر هماهنگی حروف در غزلیات حافظ، زیباییها و تعاملهای لفظی و معنایی را در پی دارد. برای نمونه در بیت زیر تکرار صامت «ب» نشانگر درخواست شتاب در باده‌گساری و در پی آن، زمان را به تمامه زیستن است؛ همچنین تکرار آوای «س»، سستی و ناپایداری دنیا را بیشتر به رخ میکشد:

بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است / بیار باده که بنیاد عمر بر باد است (حافظ، غزل ۳۷)

تکرار مصوت بلند «الف» بویژه در مصراع دوم نشانگر آرامش، سکون و شعله‌ور شدن شراره «حضور» در وجود شاعر است و گویا بیانگر آن است که شاعر بیکبارگی زنگ تعلق را از دامن خود زدوده است. یا در بیت زیر:

گفتند خلائق که تویی یوسف ثانی / چون نیک بدیدم بحقیقت به از آنی (همان، غزل ۴۷۵)

در مصراع دوم تکرار حرف «ب» (به + دیدم، به، به) خلاقیت را متقاعد میکند که یارِ حافظ، یوسف ثانی نیست؛ بلکه خودِ یوسف و حتی بهتر از اوست. در مصراع دوم، حافظ برای قبولاندن حرفِ خود ابتدا قیدهای «نیک و بحقیقت» را می‌آورد و بعد برتری یارِ خود را بیان میکند، اما در این بین برای تأثیرگذاری بیشتر سخن خود، با نازک‌کاری و خرده‌سنجی، هجای «ب» را در مصراع دوم تکرار میکند و در نهایت برای اینکه مَهرِ سکوت بر لب خلاق بزند، با یک شیرینکاری سنجیده، فعلِ «بدیدن» را به کلام خود می‌فزاید.

سایر تأثیرپذیریهای شعر حافظ از قرآن

اگر به شعر حافظ از دیدگاه فصاحت و بلاغت ادب عرب بنگریم، خواهیم دید که «بلاغت شعر او از جهت تعادل و ایجاز، یادآور بلاغت قرآنی است، بویژه آشنایی با کشف هم‌مبایست تأثیر بلاغت آن را در وی به مرحله خودآگاهی کشانده باشد» (زرین‌کوب، ۱۳۸۲: ۵۹). اینک نمونه‌هایی چند از این الگوپذیری بلاغی و نیز ساختار بیانی آیات را در اشعار حافظ ذکر مینماییم تا از لطایف و دقایق بلاغی قرآنی در تصویرسازیهای ادبی شعر حافظ بیش از پیش آگاه شویم.

تنوع مضامین و گونه‌گونی موضوعی: طریقه و روش بیان قرآن یکی از بارزترین معجزات این کتاب آسمانی به شمار می‌آید که توجه به آن در درک ارزشها و حقایق قرآنی حائز اهمیت است. برخی با نگرستن به یک سوره قرآن کریم مثلاً «بقره» و دیدن تنوع مضامین معتقدند میان تمامی آیات هریک از سوره‌های قرآن، به‌رغم گسستگی و ناپیوستگیهای ظاهری، پیوند مفهومی حاکم است و تمام آیات، بر محور موضوعی خاص و غرضی واحد، ترتیب و تنظیم یافته‌اند. چنین امری درباره غزلیات حافظ نیز مطرح شده و تنوع مضامین در محور افقی، حافظ‌پژوهان را بر آن داشته است که ساختمان غزلیات حافظ براساس ساختار سوره قرآنی شکل و بنیان گرفته است. میتوان از دو جای دیوان حافظ استناد به این حقیقت کرد که اشعار وی در محور افقی دارای مضامین متنوع و مفاهیم مختلف است: یکی آن که شعرش را «نظم پریشان» خوانده و «ناخودآگاه اقرارگونه‌ای به تنوع مضامین غزلیات خود کرده است» (خرم‌شاهی، ۱۳۸۰: ۹۶) و دیگر اینکه گفته است شعر حافظ همه بیت‌الغزل معرفت است، «تلویحاً یا بلکه تصریحاً به استقلال هر بیت یا اغلب ابیات غزلیات اشاره دارد» (همان: ۲۲). برای نمونه آغازین غزل دیوان خواجه که دارای هفت بیت است، این مضامین گونه‌گون را در خود جای داده است: عشق و سختیهای آن، تعلق خاطر و خونین شدن دل، عدم دل‌آسودگی در دنیا، اطاعت از پیر راه، غفلت آسوده‌دلان از حال گرفتاران، فاش شدن راز عشق، حضور دل و رها کردن دنیا. این موضوعات در محور عمودی گویای این حقیقتند که عشق در بدایت راه آسان جلوه میکند و سپس سخت رخ نشان میدهد؛ چراکه کوچ از سرای جانان و آشکار شدن رازی که نباید فاش میشد، بدون سختی و خون دل خوردن نیست.

تحلیل: تحلیل در اصلاح، آن است که ادبا و شعرا، الفاظ آیه‌ای از قرآن کریم یا روایتی از حضرات معصومین یا شعر و مثلی را در سخن خویش بیاورند بگونه‌ای که از وزن یا صورت اولیه و اصلیش خارج شده باشد (راستگو، ۱۳۷۶: ۵۸). از این شگرد در غزلیات حافظ فراوان دیده میشود که به ذکر نمونه‌ای از آن می‌پردازیم:

چه شکر گویمت ای خیل غم عفاک الله / که روز بیکسی آخر نمیروی ز سرم (حافظ، غزل ۳۳۰)

«عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَبْتَ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ تَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ» (توبه/ ۴۳). در این بیت، عبارت قرآنی «عفاک الله» صورت تغییریافته «عفا الله عنک» بوده است که حافظ اینگونه در کلام خویش آن را گنجانده است.

ترجمه: این صنعت بین شعرا و ادبای قدیم مرسوم بوده که مضمون را از زبان عربی به نظم فارسی یا از فارسی به نظم عربی نقل کنند (راستگو، ۱۳۷۶: ۴۱۴). به نمونه ذیل توجه کنید:

«بَا بَنِي إِسْرَافِيلَ اذْكُرُوا بَعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ وَ إِيَّايَ فَارْهَبُونِ» (بقره / ۴۰)

گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان / نگاه دار سر رشته تا نگه دارد (حافظ، غزل ۱۲۲)

حافظ در این شگرد هنری بدون اشاره به الفاظ عربی و ترکیبات عربی قرآن، سعی دارد تنها معنی و مفهوم آیات وحی را در کلام خویش بگنجانند. بنابراین ترجمه عبارت قرآنی «أَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ» در کلام خواجه شده است: «نگاه دار سر رشته تا نگه دارد». ترس از شکستن پیمان در کلام حق تعالی «وَ إِيَّايَ فَارْهَبُونِ» را میتوان از بطن سخن خواجه فهمید: «گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان».

استنباط ذوقی از آیات قرآن: درحقیقت هر اثر هنری یادآور لحظه‌های خوش از خود رها شدن است؛ لحظه‌های میل به ساختن و آباد کردن. در این روش شعرا و ادبا مفهوم و معنی آیه‌ای را درمورد موضوعی که خود، خواهان شرح و بسط و توضیح آنند، تغییر میدهند. در این راستا دیگر شاعر کاری به این ندارد که آیه درمورد چه کسی یا چه موضوعی به کار برده شده است، بلکه تنها از واژه‌های آیه موردنظر برای مضمون‌پردازی و تصویرسازی بهره می‌جویند. به نمونه ذیل توجه کنید:

«وَ إِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ» (قلم / ۵۱).

حضور خلوت انس است و دوستان جمعند / وان یکاد بخوانید و در فراز کنید (حافظ، غزل ۲۴۴)

تصویرسازی: حافظ برای تقریب ذهنی و نیز سهل‌الوصول کردن بیان خویش، با اشاره به آیات قرآن، تصاویری هنری می‌آفریند که گویی خواننده با تابلوی روبرو است یعنی نوشتاری توأم با تصویر و این یکی از شاهکارهای هنری -قرآنی شعر حافظ است. به نمونه ذیل توجه کنید:

«وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَ أُنْزِلَ فِيهَا مِنْ أَنْوَاعٍ مُتَشَابِهَةٍ وَ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره / ۲۵)

چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری‌سرشت / شیوه جئات تجری تختها الأنهار داشت (حافظ، غزل ۷۷)

کمک به تکمیل قوافی شعر: در غزل حافظ، هر قافیه در معماری و ساختمان غزل نقش حیاتی دارد و از همین روست که هر قافیه در غزل او اگرچه در بیتی خاص جای میگیرد، برای کل غزل، گزینش می‌گردد (دادجو، ۱۳۸۶: ۱۳۰). قافیه در شعر وی دارای نقشهای مختلف دستوری بوده و ازطرفی، جمله بدون آن ناتمام به نظر میرسد. گاه حافظ برای انتخاب قافیه، از لغات و اصطلاحات قرآنی بهره جسته است. به نمونه ذیل توجه کنید:

سواد زلف سیاه تو جاعل الظلمات / بیاض روی چو ماه تو فالق الاصباح (حافظ، غزل ۹۸)

«فَالِقُ الْأَصْبَاحِ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (انعام / ۹۶).

که فالق‌الاصباح با کلماتی نظیر «مباح، صلاح، نجاج، ملاح، رواج، الحاح، و صباح» هم‌قافیه شده و این ترکیب قرآنی به تکمیل قافیه در این غزل کمک شایانی نموده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش روشهای تأثیرپذیری غزل حافظ از قرآن مورد بررسی قرار گرفت. انس و علاقه حافظ شیرازی به قرآن مجید بر کسی پوشیده نیست. حافظ مطالعه این کتاب آسمانی را تا آنجا ادامه داده است که آن را از بر کرده و احتمالاً لقب حافظ نیز از همین رهگذر است. بدون شک ساختار، شیوه بیان و اسلوب هنری قرآن در نحوه بیان حافظ تأثیر بسزایی داشته است. بعضی از این تأثیرات، مانند درج و تضمین آیات یا استفاده از مفهوم آنها، کاملاً روشن و مشخص است؛ اما تأثیرپذیری حافظ از قرآن فراتر از این موارد است. تأثیر قرآن بر اندیشه، مضمون،

ساختار واژه‌ها و اسلوب‌های بیانی شعر حافظ بگونه‌ای است که برخی شارحان و حافظ‌شناسان را بر آن داشته که دیوان حافظ را یکی از برجسته‌ترین تفسیرهای تأویلی قرآن برشمارند. یکی از رموز مانایی و ماندگاری اشعار حافظ، پیوند ناگسستنی آن با آیات قرآن کریم است که در بهره بردن از شگردها و مضامین قرآنی چنان استادانه عمل میکند که عواطف خواننده را برمی‌انگیزد و آنان را به تأمل در این آموزه‌های قرآنی وامیدارد. غزل‌های حافظ دارای «ساختی درونی» است و طرح غزل او از حادثه‌ای که در ذهن وی، در لحظات ناب آفرینش شعری، ایجاد شده شکل گرفته است. همچنین در بخشی از غزل‌های حافظ، پیوند و هماهنگی میان ابیات، پیوندی عاطفی است و نه معنایی، اما در بسیاری از غزل‌های وی، این پیوند عاطفی با پیوند معنایی ملازم و همراه است و ابیات غزل حافظ همچون آیات قرآن و روابط بین آنها دارای پیوند و سطح باطنی هستند. براساس یافته‌های تحقیق حاضر، مهمترین و اصلیت‌ترین زمینه‌های تأثیرپذیری و الگوبرداری غزل حافظ از قرآن کریم در این موارد میگنجد: اثرپذیری از ارتباط سنجیده لفظ و معنا در قرآن؛ اثرپذیری از الگوی هماهنگی لفظی و معنایی قرآن؛ بهره‌گیری از ترکیبات و واژگان قرآنی در جهت خلق صور خیال؛ اثرپذیری از الگوی جفته‌های کمینه در قرآن؛ اثرپذیری در مطلع غزل‌ها از شگردهای قرآنی؛ اثرپذیری از اعلام قرآنی؛ الهام گرفتن از اندیشه‌های قرآنی؛ اثرپذیری از شگرد آوا-معنایی قرآن؛ استنباط ذوقی از آیات قرآن؛ و کمک به تکمیل قوافی شعر.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دکتراي زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد استخراج شده‌است. آقای دکتر یدالله ملکی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای علیرضا اسفنده بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر محمدرضا سنگری به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده‌است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- The Holy Quran
 Ayazi, Seyyed Mohammad Ali. (2011). The Continuous Face of the Qur'an, Qom: Hastinma.
 Dadjo, Dorre. (2007). Hafez poetry music, Tehran: Zarbaf.
 Hafez Shirazi, Shamsuddin Mohammad. (2008). Divan, edited by Mohammad Qazvini and Qasim Ghani, Tehran: Asatir.
 Hariri, Mohammad Youssef. (2004). Dictionary of Quranic Terms, second edition, Qom: Hijrat.
 Khorramshahi, Bahauddin. (2001). Hafez's Mouth and Language, Tehran: Nahid.

- Pournamdarian, Taghi. (2004). Lost on the shore of the sea; A reflection on the form and meaning of Hafez's poetry, Tehran: Sokhan.
- Rastgo, Seyyed Mohammad. (1998). Manifestation of Qur'an and Hadith in Persian Poetry, Tehran: Samt.
- Zarinkoob, Abdul Hossein. (2003). Az kooche rendan, about the life and thought of Hafez, 10th edition, Tehran: Amir Kabir.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم

- ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۱)، چهره پیوسته قرآن، قم: هستی‌نما.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۴)، گمشده لب دریا؛ تأملی در صورت و معنی شعر حافظ، تهران: سخن.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۷)، دیوان، به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: اساطیر.
- حریری، محمدیوسف (۱۳۸۴)، فرهنگ اصطلاحات قرآنی، چاپ دوم، قم: هجرت.
- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۰)، دهن و زبان حافظ، تهران: ناهید.
- دادجو، دره (۱۳۸۶)، موسیقی شعر حافظ، تهران: زریاف.
- راستگو، سیدمحمد (۱۳۷۶)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران: سمت.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۲)، از کوچه رندان، درباره زندگی و اندیشه حافظ، چاپ دهم، تهران: امیرکبیر.

معرفی نویسندگان

علیرضا اسفنده: دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

(Email: alirezaesfandeh@yahoo.com)

یدالله ملکی: دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

(Email: Yadollahmaleki36@gmail.com : نویسنده مسئول)

محمد رضا سنگری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران.

(Email: M.sangari@yahoo.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Alireza Esfandeh: PhD student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Khoramabad Branch, Islamic Azad University, Khoramabad, Iran.

(Email: alirezaesfandeh@yahoo.com)

Yadullah Maleki: Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Khoramabad Branch, Islamic Azad University, Khoramabad, Iran.

(Email: Yadollahmaleki36@gmail.com : Responsible author)

Mohammad Reza Sangri: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran.

(Email: M.sangari@yahoo.com)